

# حقیقت

شماره ۱۴۵ - ۲۱ خرداد ۱۳۶۰

رجزخوانی های احمقانه در پارلمان

۱۵ خرداد امسال و مستنای

## حاکمیت قانون

برخلاف رجزخوانی های  
روزنامه های دولتی و همستان  
توده ای - اکثریتی آنها حضور  
چنددهزار نفر مردم تیسران  
و همچنین بستاد کمتری در  
سایر شهرها در مراسم با نژاد  
خرداد امسال بمسئولیت بیعت  
امت با امام ، تأیید دولت  
و مجلس ولوایح ارتجاعی آنها  
و یا شکست " لیبرال " و بیروزی  
" مکتبی " نبوده بلکه بخشیا  
شی از مردم برای سزگدانت روزی  
تاریخی و ملی آمدند و اما  
نشستند .

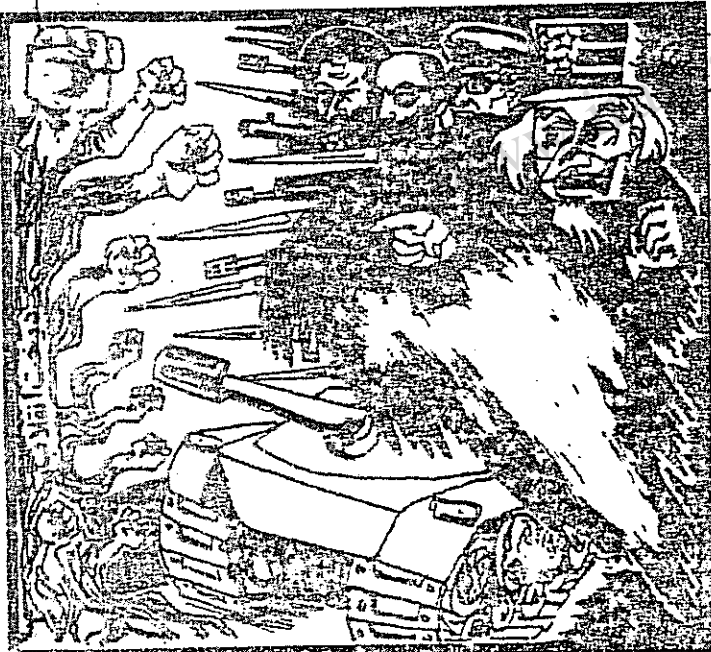
مشتی توهین و دشنام و سب و  
مفت شنیدند و بعد هم رفتند . نه  
اکثریت مردم شرکت کننده در  
این مراسم شعارهای ارتجاعی  
و مرفهانه ، مشتی چند هزار نفر  
را تا آنکه مخلوطی از اونیای خوب  
الطبی و فوکلنی های شورده ای  
اکثریتی بودند ، تکرار کردند  
و نه آنکه برای قطعنامه کذائی  
این مراسم " تکبیر " گفتند  
بعد هم که موعظه نماز و  
خودنماز و شرا هتان را کردند  
بسته در صفحه ۳

## هشدار!

حزب جمهوری اسلامی و همدستان خان  
آن  
می خواهند همین روزها یا  
هفته ها کودتا کنند!

مردم تهران! مردم سراسر کشور!

خطر بزرگی انقلاب و تجاوزکاران بعثی خواهد شد  
کشور را تهدید میکند! خطری خوزستان و بلوچستان و کردستان  
جدی و قریب الوقوع ، خطری را بدست ابرقدرتها خواهد  
که تابودی تمامی نتایج سپردگی فاجعه عظیم ملی  
انقلاب ۱۳۵۷ ، قلع و قمع تمامی را بسیار خواهد آورد .  
سازمانها ، گروهها و عناصر  
آزادخواه و شریف جامعه ، در دو هفته ، پیش از این هشدار  
کشتار بیدریغ خلق و محو کلیه دادیم توطئه انجام یک کودتای  
آشار حیات سیاسی و زندگی ضد ملی و دست راستی حزبی  
کسانی ملت ما را هدف قرار در شرف تکوین است! و اکنون  
داده است . خطری که کشور را کاملاً برنا آشکار شده است که  
ستاراج بیگانه خواهد داد! طرح این توطئه بطور کاملاً  
با عت شکست خفت با رما در دقیق و حساب شده آشکار شده  
چک مقاومت کنونی علیه بسته در صفحه ۲



خبرهایی

از آبادان

صفحه ۶

یورش حزب حاکم  
در بندر عباس

صفحه ۵

شاهپرستان خان  
در نوشهر

صفحه ۷

دم خرسی قطبی و  
تسم روس پرستان

صفحه ۱۰

جاوید باد

خاطره

زندگی

ملی

روانی (غلام)

صفحه ۱۱

کارگران ایرانا

تنفر خود را از

ایر قدرتیا

بعثی ها و حزبی ها

اعلام میدارند

صفحه ۹

بقیه از صفحه اول

### سرمقاله ...

است که طرح این توطئه بطور کامل و دقیق و حساب شده ای توسط سران حزب جمهوری اسلامی و هواداران دولت ضد خلقی و خائن فعلی ریخته شده و هر آن اجرای آن میتواند آغاز گردد. توطئه گران برای عملی ساختن کودتای خائسانه خویش نقشه ای کشیده و ستاد فرماندهی واحدی تشکیل داده اند.

نقشه کودتا، که قرار است طی یک مدت سه هفته ای بطور کامل اجرا گردد، از سه مرحله میگردد.

۱ - حمله ساختگی و از قبل برنامه ریزی شده گروهی مسلح به جماران (مقر امام)، و مدافعه ساختگی و طبق برنامه پاسداران محافظ امام در این ناحیه و اعلام اینکه با صلاح کسانی میخواهند امام را از میان ببرند و کودتا کنند. لازم بتذکر است پاسداران محافظ امام اخیراً برای چند میس با توسط مسئولان حزبیی تصفیه و عوض و بدل شده اند.

۲ - یورش با سلاح ثلاثی جوینان پاسداران به همه نقاط شهر تهران با همراهی نیروهای مسلح ارتشی وابسته انجمن های اسلامی و دواثر سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، کمیته ها و همچنین شاخه نظامی گروه امل (چمران) این نیروها متحداً شهر تهران را زیر کنترل و تحت حکومت نظامی در آورده و در همه بنا براملی، شاهرها و نقاط کلیدی مستقر میشوند.

۳ - ترورینی صدریمنی

رئیس جمهور کشور و طرفداران او؛ هجوم به همه مقرها و مراکز وابسته به ایشان و سازمانهای انقلابی و سیاسی مخالف، خانه های قبلا شناسائی شده رهبران و اعضای سازمان مجاهدین و گروههای چنیپ، عناصر صرملی و آزادیخواه و کشتار بی درنگ و بیدریغ تعداد زیادی از آنها.

همزمان با اجرای نقشه فوق در تهران قرار است در شهرهای آمل، بابل، قائم، شهرساری، ارومیه، بندر عباس، قشق و آذربایجان اندازند. همچنین در تهران سخنرانی های تحریک کننده ای توسط هادی غفاری و موسوی تبریزی انجام خواهد گرفت. اما ستاد فرماندهی با صلاح رهبری عملیاتی این برنامه کودتا گرانه، کسب جلسات آن در پادگان قصر فیروزه تشکیل میشود، از اعضای زیر تشکیل شده است:

- ۱ - آیت الله محمد حسینی بهشتی.
- ۲ - حجت الاسلام موسوی تبریزی.
- ۳ - حجت الاسلام هادی غفاری.
- ۴ - علی محمد خاتمی (برادر حجت الاسلام خاتمی).
- ۵ - حسن آیت.
- ۶ - دکتر مظنی چمران.
- ۷ - محسن رضائی (فرمانده سپاه).
- ۸ - تعدادی از افسران ارتش.

۹ - گروههای نظامی و مسلحی که بطور هماهنگ و زیریک فرماندهی واحد قرار است در این برنامه شرکت کنند عبارتند از:

- ۱ - سپاه پاسداران.
- ۲ - لشکر نظامی وابسته به انجمنهای اسلامی و دواثر سیاسی - ایدئولوژیک ارتش.
- ۳ - کمیته های انقلاب

- اسلامی
- ۴ - گروه امل (چمران)
  - ۵ - جریان بنیام گروه توحید.
  - ۶ - گروه فدائیان اسلام.
  - ۷ - انجمن های اسلامی
  - ۸ - .....

نیروهای عمل کننده در مراحل اولیه حدود هزار نفرند که در دسته های ۱۷ نفره سازماندهی شده اند. برخی امکانات تسلیحاتی: چند هزار قبضه کلت، سلاحهای سمی آفستدیه سیانور و صدها جلیقه ضد گلوله که بتازگی وارد کرده اند، بغیر از سلاح های معمولی که در اختیار دارند. ضمناً مزدوران شوروی یعنی حزب سوسیالیست فدائیان اکثریت نیز در کودتاگران همکاری دارند.

برنامه کودتا گران سه فوق طبق قرار قبلی انتظار میرفت که در همان روز ۱۵ خرداد اما آغاز وظیفه هفته بیایان برسد. لیکن بنا به دلایلی، که احتمالاً مهمترین آن همانا روحیه نا هماهنگ و نامساعد اکثریت مردم شرکت کننده در مراسم این روز بود، انجام آن به تعویق افتاد. اکنون توقیف روزنامه انقلاب اسلامی و چند روزنامه دیگر تهران دو روز بعد از آن و برخی شواهد دیگر محقق میگردد که این برنامه چندان هم به تعویق نیفتاده و هر آن اجرای آن محتمل میباشد. ای رفقای کارگزار!

اعضا و هواداران تمامی سازمانها و گروههای انقلابی و متعهد ملی! آزادیخواهان و همسایه عناصرو شخصیت های شریف و متعهد به آزادی و استقلال میهن! سربازان، درجه داران، هافران، افسران و پاسداران را که به هدفیای انقلاب مردم خویش و به استقلال و شرف ملی وطن خویش پایبندید!

توده های مردم سراسر کشور! مردم تهران! بیدار و هشیار باشید! دست اتحاد بیهم دهید و مذاقبت توطئه گران باشید! یا سرگ ماست یا سرگ دشمنان ما! یا با بدغیرت کرد و بوجنات انقلاب و کشور برخاست و بسا یا بیدایی غیرتی دست روی دست نهاد و لگدمال آیین نوکران تازه به خدمت گمارده شده! ابرقدرتها گردید. ولی ما حاتم داریم که اگر ما ملت ایران متحد و بی تزلزل و تردید و با هشیاری و قاطعیت کامل عمل کنیم قطعا رسوائی و شکست و نابودی از آن دشمنان ما، از آن خیانتکاران و توطئه گران خواهد بود.

ما برای آخرین بار به خصی اخطار میکنیم که دست از پشت این جنایتکاران بلفترده و این کودتاگران خائسن، که سر به آستان ابرقدرت پیا پیا کشیده نقشه کشتار ملت خویش را کشیده اند، بردار و بازی های سیاسی خطرناکی که کشور را به کام ازدهای خون آشام آمریکا میبرد دست بکشد. که در غیر این صورت فردا صبح و نفرین ملت ایران متوجه خودش خواهد شد و بطلوه با دریای خروشان خشم میلسونتها انبیا رو برو خواهد گردید.

این انتظار مردم و وظیفه رئیس جمهور کشور است که قاطعانه در برابر توطئه گران ایستاده و با افشای آنها و دعوت مردم به سرکوبی درنگ سران و یادی کودتا به تعهدات خود در قیامت مردم و کشور عمل کند. و ما قاطعانه اعلام میکنیم که از هر حرکت قاطعانه ایشان علیه توطئه گران خائس پستیبانی کرده و همگان را به همراهی و شرکت در چنین حرکتی فرا میخوانیم و از همه مردم میخواهیم که در برابر سرگونی با حکومت حزبی ها و شرکای خائس آنها را بقیه در صفحه ۹

## رجز خوانی ...

بقیه از صفحه اول  
سید احمد خمینی گنه  
اجتماع مردم را در دانشگاه  
تهران و خیابانهای اطراف آن  
با راهپیمائی های چند میلیونی  
نی مردم در تاسوعا و عاشورای  
سال انقلابی ۵۷ مقایسه میکند،  
الته آن تاسوعا و عاشورا را  
ندیده است و نمیداند و نمیخواهد  
هدیداند. ولی مردم ایران  
که میدادند. روزنامه های  
حزبی و طرفدار دولت از "رژه  
چند میلیونی" و "راهپیمائی  
عظیم" دم عزیز شدند و تصور میکنند  
که با این تلقینات بیوج حکم  
باطل خود یعنی حکومت باطل  
مطلوب خویش را، که از همان  
نوع حکومتی است که قیام  
پانزده خرداد و قیامهای بسیار  
دیگری را در کشور ما بر علیه خود  
برانگیخت، در برابر جریانیهای  
مخالف استبداد و مخالف  
حاکمیت حزب ارتجاعی و ضد ملی  
حاکم اثبات کرده اند. گروهی  
از حضرات با نخوت و از خود رازی  
و با آثار ره به شعارهای از قبیل  
فروخوانده شده ای که چند هزار  
نفر در میان چند صد هزار نفر  
تکرار میکردند، گفتند که همه  
پرسی (رفران دوم) میخواهید،  
اینهم همه پرسی (رفران دوم) !  
از قرار معلوم عناصر منافقوری  
چون بهشتی و شرکا و همدستان  
کودتاچی او، که بنی بر سر  
عددهای گردن کلفت مالدار و  
وطن فروش، اوباش حزب  
اللیبی و جمعی روحانی و روش  
نکر خود فروخته از جمله آدیبای  
شوروی کسی برایشان گفت نمی  
زدو" تکبیر" نمیگوید، طی

این مراسم حمایت تسوده ای  
خود را نشان دادند! لیکن  
حضرات اگر راست میگویند و  
تحمیل آن را دارند (که ندارند)،  
فقط برای یک روز مانعی  
نتراشند و جلوی اجتماع مردم  
را نگیرند تا ببینند تسوده های  
عظیم مردم بر سر کشور نظرشان  
در باره، ایشان چیست و رژه های  
چند میلیونی و راهپیمائی های  
عظیم چه صورتی را دارا هستند.  
در آتموقع آقای سید احمد هم  
مشاهده خواهد کرد که "تاسوعا و  
عاشورای قبل از انقلاب" یعنی  
چه! در آتموقع پدرا ایشان  
یعنی امام هم، که تصور  
میکند این روز ثابت گرد ملت با  
سیاستهای اوست، متوجه  
خواهد شد که قضیه از چه قرار  
است.

مشخصه مراسم ۱۵ خرداد  
امسال رژه های با مصطلح  
میلیونی و راهپیمائی عظیم در  
تأیید دولت و مجلس و قاتونهای  
ارتجاعی و قراردادهای ضد ملی  
خیانتکاران حاکم نبود. این  
دشنام و توهین بزرگی به مردم  
انقلابی ماست، که گویا آمده  
بودند مشتکی مزخرف و هر رژه  
درائی بشنوند و با ارادل خود  
فروخته هم آوا شوند. مشخصه  
مراسم این روز این بود که  
سران حزب ارتجاعی حاکم و  
همدستانشان بیش از آنکه تصور  
میرفت خبیث و بد طبیعت هستند و  
اینکه آنها با لجاجت تمام و  
طمعی با ورنگردنی بر سر  
بلعیدن تمامی قدرت و استقرار  
یک حکومت مطلقه فاشیستی  
کام برداشته و با حرف و تهدید  
زبانی عقب نمی نشینند.

در واقع قطعاً ما به ارتجاعی  
مراسم پانزده خرداد دید خودی  
خود همداری به مردم ایران  
بود که شایطین نورسیده تصمیم  
نیایشی خود را گرفته اند و در مردم  
آنند که ضربه نیایشی را بر  
انقلاب فرود آورند. این قطع  
نامه که در برکانه دو سام طرف  
داری از قانون و حاکمیت آن  
بر تمامی لواحق مستبدانه،

قراردادهای ضد ملی و بنسند و  
بست های سران خائن حزب و  
دولت رجائی - نبوی یا ابر  
قدرتها مهرتائید نهاد، عاقبت  
کار این دزدان قدرت را نشان  
داد. این قطعاً ما با خط و  
نشان کشیدن برای سازمانها و  
جریانیهای مخالف استبداد و  
وطن فروشی و مفسد و واجب  
القتل خواندن هر کسی که  
بخواهد با مکتب و اسلام آمریکا -  
شی - روسی حضرات مخالفست  
کند، وضع اضطراری و سیر خطر -  
ناک اوضاع سیاسی کشور را ثابت  
کرد.

ما بارها به کارگزاران و  
مردم محروم کشورمان متذکر  
شده ایم و اکنون هم متذکر  
میشویم که قضیه و دعوا بر سر  
اسلام و مکتب و از این حرفهای  
کلی و ظاهری نیست. مسئله بر  
سر ولایت آقای خمینی و ریاست  
آقای بنی مدرو دعوی اشخاص  
نمیباشد. دعوی میان فرنگ  
رفتگان و ایران ماندگان،  
میان درس خوانده های اروپا و  
مکتب دیده های تهران و قسم  
نمیباشد، که بسیاری از همین  
مدعیانی که قضا یا را بدینگونه  
طرح میکنند خودشان سالها در  
سواحل یونان و جنوب فرانسه و  
آلمان و دریای سیاه لنگر  
انداخته و به قسا دشمنان بودند  
(راش این این جنابان یعنی  
آقای دکتر محمد حسینی بهشتی  
نمونه بارز این قماش است).  
مسئله اصلی و اساس دعوا بر سر  
قبول یا رد هفتیهای انقلاب  
ایران است؛ بر سر اثبات یا  
نفی آزادی، استقلال و حاکمیت  
مردم در یک نظام جمهوری  
واقعی است؛ بر سر قطع رابطه  
با نظام فاسد و سیاستهای  
خائسانه رژیم شاه معذوم و  
یا تجدید باط شادی ها،  
جنایت ها و وطن فروشی های  
همان رژیم اینست در ریوشنی  
منهیی و مکتبی است؛ بر سر  
سازمانها و ابر قدرتها و با نوکری  
برای ابر قدرتهاست.  
با بد از آنها شی که انتظار

دازند مردم از قانون و حاکمیت  
قانون اطاعت کنند پرسید؛  
آیا قانون یعنی قانون قرون  
وسطائی و وحشیانه قصاصی؟  
آیا قانون یعنی مدور حکم  
انگشت بریدن و دست و پا راه  
کردن به جرم آفتاب سه دزدی؟  
آیا قانون یعنی شرعی و قابل  
خرید اعلام کردن قتل زن بدست  
مرد، بی دین بدست با دین  
و کسانیکه بی پول و مفسد اند  
بدست کسانی که پول دارند و  
میتوانند هر قتل و جناایتی  
را با وجه نقد تسویه کنند؟

آیا قانونی که اینها می  
خواهند همه از آن اطاعت کنند  
یعنی قانون فاشیستی مربوط  
به فعالیت احزاب و گروهها و  
یا اظهاریه ده ماده ای آقای  
قدوسی است، که بر طبق آنها  
تنها حزب و دستای آزاد است  
که خفقان بگیرد، بی اجازه  
هیچ مسئله ای را در میان مردم  
کشور خویش طرح نکند و ضمناً  
مورد تأیید آقایان بهشتی و  
موسوی اردبیلی و امثال  
ایشان، باشد؟ این قانون  
با قانون "رستاخیز" شاه  
معذوم چه تفاوتی میکند؟ چه  
جای تعجب است که طبق این  
قانون تنها احزاب مزدور ابر  
قدرتها نظیر حزب آقای کیانور  
و شرکا میتوانند آزاد باشند.

آیا قانون یعنی همین  
احکام لغو و تعطیلی که شورای  
عالی قضائی و دادستان کل  
در باره، هر روز نامه و مجله و  
دفتر و تشکیلاتی که کوچکترین  
مخالفت و حتی انتقادی از بلوا  
سازینا، جماعت کثیف ها و  
خسانت کاریهای حزب حاکم و  
سران یا غی آن بکند، صادر  
میکند؟ آیا حاکمیت قانون  
یعنی حاکمیت جماعت و انداختن  
مشتی ز - بدست نادان به  
جان کارگران، دهقانان،  
دانشجویان، دانش آموزان  
و دیگر قشرهای مردم؟ آیا  
حاکمیت قانون یعنی دستگیری  
و حتی ترور خیابانی مبارزان

رجز خوانی ...

بقیه از صفحه ۱۳

که برخلاف روش خاشنا...  
تخریفات کنانه عمال حزب  
حاکم در جبهه های جنگ دلبران  
از انقلاب زمین خویش در برابر  
تجاوزکاران مزدور عرالتی در  
جنوب کشور دفاع مسئولند؟  
آیا قانون یعنی همین  
لوايح کشور بر باد داده نظیر  
لایحه بودجه که یکی پس از  
دیگری توسط دولت آقایان  
مکتبی طرح و توسط اکثریت  
مکتبی مجلس تصویب میشود؟  
حاکمیت قانون یعنی حاکمیت  
دلالت و کمپرا دورهای که به  
برکت این بودجه ارزهای کشور  
را با بنجل های اروپا و آمریکا  
عوض میکنند و بخشی را هم  
به بهانه واردات به حساب های  
خود در خارج میگذارند؟ آیا  
حاکمیت قانون بمعنای جراج  
ذخا شرفتی کشور در بازار  
کارتل های بین المللی و  
نابود کردن تولید داخلی بفتح  
واردات از خارج است؟

شرف ها و خود فروختگان  
چون بیزانسی که مانند پدر  
خانش شرف وحیثیت ملت ما را  
به قون وقراری به آمریکا و  
انحصارات غارتگر بین المللی  
می فروشند و پای هر قرار داد و وطن  
فروشان های را امضاء میکنند؟  
آیا حاکمیت قانون یعنی  
حاکمیت نظام استعمارگرانه  
مونتاز بر صنایع کشور و آوردن  
کارشناس و مستشار خارجی به  
کشور؟ این قانونی که امام هر  
روز مردم را به اطاعت بی چون  
و چرا از آن فرامیخوانند و در  
قطعنامه گذاشتی ۱۵ خرداد هم  
مصرانه تاکید میشود، آیا همین  
قراردادهای تالیپوت و لیلانند  
موتور و کروب و چند قرار داد  
خاشنا بر انداز دیگری که در  
جیب آقایان رجائی و نسیمی  
و بهشتی میباشند، نیست؟ آیا  
اطاعت از قانون یعنی اطاعت  
از مطامع شرکت انگلیسی  
تالیپوت و سایر مداران شرکت  
کروپ آلمانی؟ آیا اطاعت از  
قانون یعنی اطاعت از امضای  
که آقای خیا می کمپرادور بزرگ  
و سلطنت طلب معروف با پادر  
میانی آقای بیزانسی در  
پای قرار داد استعماری تالیپوت  
گزارده است؟ آیا اطاعت از  
رأی کبشورای نکبان بدهد  
یعنی اطاعت از این تصمیم  
وطن فروشانه این آقایان  
که با بد مستشار نظامی از غرب  
وارد کرد و ارتش را دوباره به  
دست افسران و جاسوسان  
آمریکائی سپرد؟  
آیا اینهاست قانونهای  
که مردم با ایداز آنها بی چون و  
چرا اطاعت کنند، و اگر کوچک  
ترین انتقادی هم بکنند  
" مرتد نظری " و صد چیز  
برایشان حرام است و باید  
مقتول هم بشوند؟ اگر حضرات  
مادرکننده قطعنامه گذاشتی  
توانین دیگری را که به تصویب  
این مجلس و دولت رسیده است  
در نظر دارند، بنظر اینها پس  
چه قانونی است؟ به جز این  
قانون یعنی حاکمیت بی -

قائستی، فدملی و وطن فروش  
شانه، چه قانون و تصمیم دیگری  
در این مجلس تا شیدویا توسط  
این دولت پیشنها دوباره رأی  
گزارده شده است؟ همینهاست و  
چیزهای دیگری نیست.  
با این تفصیل از قضایا  
خیلی روشن است که منظور  
ز ما مداران مکتبی کشور از به  
اصطلاح " گروهک های که کینه  
توزانه و ناشیانه [عجب! دیگر  
چرا ناشیانه؟! ] در صدد  
مانع حاکمیت قانون شوند"  
چه کسانی میباشند؟ این  
" گروهکها " بدون شک نمی  
توانند با بر قدرتها و دستجات  
کارگزار آنها باشند؛ چه آنها  
هم اکنون مدافع این نوع  
حاکمیت قانون اند. چگونه  
میتوانند را دیو آمریکا، که در  
این او ا خربنغ آقایان حزبی  
و مکتبی ما هرا نه جوسازی می  
کند، معرف این روش " کینه  
توزانه و ناشیانه " باشند؟  
یا نگذاران آمریکائی که از  
برکت وجود شما خیا ننگاران و  
امضای وزیر مشاوران به  
سرما به عظیمی دست پیچیدند  
کرده اند، هرگز نه نسبت بد شما  
کینه توزند و نه خیلی ناشی  
تشریف دارند!

تجاوزگر هم نمیتواند باشد و  
نیست؛ چه اتفاقا این همایه  
عزیز آقای جلال الدین فارسی  
از همه بیشتر در دفاع از شما  
دزدان وطمع کاران بنوکینه  
شینه چاک میدهد و نوکران حلقه  
بگوش را به حمایت از شما و حتی  
جاسوسی و پادوشی برای شما  
بر میبنا نگیرد و تشویق میکند.  
این " گروهکها " قطعا  
وابستگان آقای خیا می طاغی  
تی و شاه، که امضای آنقدر  
برای آقایان بهشتی و رجائی  
و نسیمی یعنی عاقدان قرار داد  
تالیپوت ارزش دارد و یا احیاناً  
هم مسلکان پدر آقای نسیمی در  
پاریس یعنی بختیار رودارو -  
نستاش، که از برکت وجود این  
دولت هنوز ارزشان قطع نشده  
است، نمیتوانند باشند.  
این " گروهکها " که  
معلوم نیست اگر بزعم ایشان  
گروهک اند پس چرا اینقدر از  
آنها وحشت دارند، سازمانهای  
انقلابی و متعهد کشور،  
شخصیت ها و عدا صرملی و با شرف  
جامعه و بطور کلی مردم این  
سرزمین هستند. از " کینه توز  
و ناشیگری " اینهاست که این  
حضرات اینقدر وحشت و ترس  
دارند. ولی شمارا مطمئن کنیم  
که اینها بدون شک کینه توز  
هستند، ولی برخلاف شما ناشی  
نخبها شدند و خوب میدانند بسا  
منتهی دلقک که ادای شاه و  
هویدا و نصیری معبود  
را در میآورند چه کنند!



حقیقت  
این  
اتحادیه کمونیست ایران  
را بخوانید



## خبرهایی از آبادان

۱ - وضعیت جبهه مدن و میدان تیر بعد از گرفتن دوشه تا حد خوبی منفع نیروهای ما چرخیده. اهمیت استراتژیک این تپه ها در میدان تیر بسیار است. چندین ساعت بعد از تمام درگیری ها با اتفاق چندن از بچه های بسیج به بالای یکی از دوشه رفتیم. این تپه ها از لحاظ جغرافیایی چنان است که از بالای آن تمامی تانک فارم و بخشی از یوارده خوبی پیدا است. از برای این تپه ها دیده بان محوطه نسبتا وسیعی را می توانند زیر نظر داشته باشند. با دوربین میتوانستیم تا نکه های عراقی را که در حال عقب نشینی هستند ببینیم.....

۲ - در بین اسراء عراقی با یکی در بیمارستان محبتی کوتاه داداشیم. میگفت که من شاگردنجا هستم و نمیخواستم در این جنگ شرکت کنم ما یکروز صبح با ماشین ارتش آمدند و بسا زور بردندم. اسیرمیری شخصی بسیار روتیح و مرتجع بود که حتی بلند بلند به خمینی فحش میداد.

۳ - به گفته رفقای خودمان تعداد اسرا در زندان احمدآباد ده نفر بوده. البته از طرف یکی از دوستان صحبت ۴۰ اسیر در زندان سیا هم میشده.

۴ - بعد از جریان حمله نیروهای پشتیبانی از ذوالفقاری و آندست شط بهمنشیر (بعد از دریا قلی و پهل مهندسی ارتش) در حدود سه کیلومتر پیشروی کردند و حلقه معاصره تا حدی با زنده بود.

۵ - از یکی دوروز قبل از حمله برای اولین بار مستون پنجم (لاقل تا آنجا که ما خبرداریم) از خمپاره انداز استفاده کرده از روستائی به نام صیدا و به حوالی سخی (زمین با سر بیابانی) کناره داده خاکی را با خمپاره ۸۱ میزدند و چندین مرتبه نیز در روستاهای اطراف از جمله روستای تنگه سنگ را زدند. البته بیشتر بنظر میرسد که گراد بندی خاصی ندارد و بیشتر دیمی میزدند. در این مورد در قسمت دوم منملا توفیح میدهم.

روحیه بچه ها بسیار عالی بود و هر کس دیگری را در آغوش میکشید و گریه میکرد. آخر بر سر این نقطه شهادت ها و شهادت ها، فداکاری ها و ضیاعهای بسیاری را شاهد بوده اند. راستی که بیرون ریختن این مزدوران چه لذت بخش و غرور آفرین میتواند باشد. اگر دولت سردان اجازت دهند.....

آنها خمکین هستند و علتش اینست که بعد از مدت ها گذشته در آنها فداکاریها که جدا قابل تحسین است و بعد از زنده شدن تحسین ضیاعها از طرف فرماندهان اینها را نتوانسته اند کاری بر شمرند داشته باشند. از طرف دیگر نمیتوانند از برای در آمدن سر با زیا با سدا رویا بسیجی بخل دشمنان که نه با تیریا ترکش بلکه با گلوله آرمی.خی کشته شده اند از برای دین. اگر چه کشتن این اسرا صحیح نمینباشد. جالب توجه است که در جریان همیستون پیشروی که از جمله پیشروی های موفق و هما هنگ شده و با برنا مه بوده. دوشب قبل از حمله جریان لومیر و دوبرنا مه شبخون دوشب به تمویق میافتد و جالب توجه تر اینست که به گفته یکی از رفقای خودمان که در حمله به بعضی ها داخل بوده آنچنان بی نظمی و بیلبشو وجود داشته که اینگونه بنظر میرسد که فرماندهان در عمل همان بسیجی ها بوده اند. در جریان شبخون مهمات نیروهای ما تمام میشود (طبق معمول همه پیشرویها) فقط به همت چندن از یار ساداران و سر با زان دوباره مهمات میرسد در حالی که با تمام شدن مهمات نیروهای عراقی حتی پیشروی میکنند تا اینکه با رسیدن مهمات قابل قضیه را میکنند. در این پیشروی نیز تمامی خصوصیات نیروهای خودی را به خوبی مشاهده کردیم.

از طرفی فداکاریها و شهادت های سر با زان بسیجی ها و با ساداران، شهادت های سرخشان، راه انقلابی و بی برگشتن تحمل شاد و ایستادگی بی پایان و از حیثی همی نظمی حاکم در جبهه و نبود فرماندهان در خط جبهه و بی عملیشان طوری که رفقای ما تصمیم به پیشروی میگیرند و شوق دیگران میشود و از جهت دوباره مهمات خلاص میشود. فداکاری بی نظمی و بی تفاهتی و نداشتن کاری بالائی ها. با تمامی این تفاهیل حمله ای موفق از آمدن آید و قابل درگیری و شوق تمامی بچه های که در کبریا این حمله بوده اند و کمانی (مردمی) که ناظر

### اخباری از جنگزدگان شهرهای دیگر خوزستان

در حدود روزهای ۲۲ - ۲۰ اردیبهشت کارگران بندر ما شهر، که کشتی ها را تخلیه میکنند و خانواده هایشان بیشتر جنگ زده هستند و به شهرهای دیگر رفته اند، خواستار این میشوند که بتوانند به مرخصی بروند و وزن و بچه هایشان را ببینند. این خواسته بحق از طرف مسئولین امر آنچنان "نا معقول" بنظر میرسد که املا محل به کارگران نمیگذارند. از فردای آنسروز بندر تقریبا به حالت اعتصاب درمی آید و ۱۲۰ - ۱۰۰ کارگر بندر عملا کار نمیکنند و در نتیجه با ساداران را به سراغ کارگران میفرستند و آنها بسیار روحیانه تعدادی از کارگران را به کار می بندند که در نتیجه ۶ نفر از کارگران اعتصابی شهید میشوند و ۶ نفر زخمی.

حدود روز بعد از این جریان کارگران بندر ما خواسته های خود را با "مسئولین در میان میگذارند و آنست که (بقیه در صفحه ۸۰)

هواداران اتحادیه از

فعالیت شاهپرستان خانی

در پوشهر خرمیدهند

و کمونیستها انداخته بودند، را میدورالدم کنند. در همان شب افراد سیخ را در شهر به گردش در میا و رندوبه چندین خانه هواداران مجاهدین حمله میکنند. در آن شب دوشن از هواداران این سازمان را بشدت مضروب میسازند. از آن بعد هر شب از ساعت ۹ به بعد افراد سیاه و سیخ با چپیه ها طی که بصورت بسته اند و سلاحهای گسری و ژ-۳ درخیا با آنها حضور دارند و یک حالت حکومت نظامی غیر رسمی برقرار است. با وجودیکه مجاهدین و سایر گروههای انقلابی این جریان را از طریق اطلاعیه های محکوم کرده اند، اما حزبون جنایتکار یک لحظه از شوراندن "مردم" علیه آنها و مقصر جلوه دادن آنان در این گونه وقایع پرهیز ندارند.

در پوشهر تمام چماقداران که قبلا از طرف انجمنهای اسلامی مختلف و گروههای وابسته به مجاهدین انقلاب اسلامی سازماندهی میشدند، تحت نام " حزب الله " سازمانتکسسل شده اند و علاوه بر چماقداری و تجربه کشتی و ضرب و شتم هواداران گروههای سیاسی و مردم ساز و آزا دیخواه، تبلیغات شدید را هم در سطح شهر انجام میدهند. در هفته گذشته هجوم به خانه های افراد مبارز و انقلابی را شروع کرده اند. در این هجومها اکثرا هواداران مجاهدین خلق و گروههای چپ مورد حمله قرار میگیرند. یک مورد آن بدینصورت بود که به خانه دودختر مبارز هوادار مجاهدین حمله میکنند و میخواهند دختران را از خانه بیرون آورده و ضرب و شتم کنند. این خانه که توسط یکی از همین جوجه چماقدارهای محله شنا ساشی شده بود، در سطلدانی واقع است که مردمش بشدت از دست این چماقکشیها به تنگ آمده اند، هر چند در پیش سفیدان محل با درمیانی میکنند. آنها جری تشر میشوند و حتی تصمیم میگیرند از دیوار خانه بالا بروند. مردم محل که بهت زده و بد وقتاحت و لحام کسختگی آنان نگاه میکردند نمیدانستند این اوباشان چه میدکورد. سرانجام میوه فروشان سر محل که بنام کریم مشهور است تحمل اینهمه وقاحت را نیاورده و با کاردبزرگی به طرف چماقداران " حزب اللهی " هجوم می برد و یک تنه جلوی همه آنها که بیست نفر میشدند، می ایستند. چماقداران بزدل جرات نمی کنند تا او نزدیک شوند و در حالی که یکی از آنها کریم را تهدید به برگ میگردن و او را برقرار ترجیح میدهند. بعلاوه آن جناب جوجه چماقدار هم از طرف اهالی محل بشدت طرد و مسزوی میشود.

در این بطنه ها همین خانه گردیها در بندر گناوه، حیسن بارانی کاندیدای مجاهدین و خواهرش را دستگیر کرده اند. ایشان کاندیداشی بود که به دور دوم هم رسید.

در پوشهر، او اخر ما داردیست، یکی از هواداران اتحادیه کمونیستیای ایران در محل زندگیش توسط انجمن اسلامی محل که دکه در سر محل زده و مسقر شده، دستگیر میشود و بدت مورد ضرب و شتم قرار میگیرد. اهالی محل و سخوی خانوادها رفیق گذا جریان مطلع میشوند دستجمعی به جلودکده انجمنی ها می آیند و بدون پروا آنها را با دآنج میگیرند که لایش بودند، و خواهان برجده شدن به ط قلدوری انجمنی ها میشوند.

خاج غلامحسین طبیب که شغل او تجارت و معامله از طریق شیخ نشینها است. او از نظر سیاسی فردیست شاهپرست و بختیاری و مخالف سر سخت خمینی و هیئت حاکمه که در هر تجمع و مجلسی هم این تبلیغات فدا نقلانی را علیه میکند و همراه اینها همیشه تبلیغات ضد کمونیستی، او در زمان شاه در شهر روابط خوبی با افراد ساواکی و افران شیرپاسی داشت. ولی تا بحال اسبم او رسماً به عنوان ساواکی اعلام نشده است. سنازه او در خیابان جمشید و محل تجمع افراد فدا نقلایی شاهپرست است که افسرادی کدر سنازه، اوج جمع میشوند بنظر مشکوک بنظر میرسند. او شوهر خواهری دارد بنام حاج مرادی که متیم کویت است و شغل او هم تجارت و معامله کها جناس و اردوشهر میکند و عمدتاً در بندر از بندر بوشهر میرساند که بوسیله خودش و یا طبیب از کرک بوشهر ترخیص میشود. چندی پیش مرادی با یک نفر دیگر که بوشهر آمده بودند که فردا خیر قیای شیب به دکترومدنی داشت ولی بلندتر و هیکل دار تر و خیلی مرتب مثل افراد ارتشی، خلاصه اینکه این فرد بنظر خیلی مشکوک بنظر میرسد که با این قیایه بنظر میرسد ساواکی است. چندی پیش طی گفتگوشی که با طبیب داشتم این طور عنوان کرده که اربابان بختیاری کویت دفتر با زک کرده و مرادی کذا کویت آمده خبر آورده که دکترومدنی و خروخسان قشاشی هم که از طریق بندر عباس به کویت رفته، منزل .... با خود مرادی دعوت بوده اند. او همچنین عنوان کرده که انشا الا بختیاری اربابان آمریکا همین روزها می آیند. با این خبرها که گفته شد مرادی شخصی است که با این دفتر در کویت ارتباط دارد و در وقت و آمده های او به ایران هم نمیتوانند بدون انجام ما موریت باشد و طبیب هم منخما در ارتباط با مرادی و تبلیغاتش هم که میکند منخما با برنام حساب شده که ممکن است یک شبکه در این منطقه باشد که این افراد در آن نقش داشته باشند که با اطلاعات بیشتر میتوان بدان پی برد.

در چند هفته اخیر در شهرهای گناوه، بوشهر و بندر لنگه، عکسپاشی از رضا تولدک محمد رضا شاه معدوم در لباس خلبانسی در سطح وسیع بخش شده است. حتی کسی را دیده اند که در روز متغول بخش کردن تعدادی از این عکسها بوده است.

آنچه که در شب ۱۱ اردیبهشت در گناوه گذشت نمونداشی از توطئه های فدا انقلاب سلطنت طلب و دیسه با زیبای مرتجعانه حزبون در این رابطه است.

شب ۱۱ اردیبهشت، عده ای که بدون تک از افراد وابسته به فدا انقلاب سلطنت طلب بوده اند ( البته اگر از خود حزبون بوده باشند ) با ساداری را غافلگیر میکنند، دست ویسهای او را می بندند و با قندک ریختن را آتش میزنند و بلافاصله او را با عا سب بد جلو با سادارخانه برده و رها میکنند. با ساداران کسه سرحا این حرکت مینورند. بد محدثیر سیای پیدا و زینند کسودر آن مرتجع شب جان تشرقی را ع می اندازند که گوئی دشمن وارد شهر شده اند. آنها با لحنی سیاه را اس انکیر در رنجید، بی بیسی رسانی که همه در خواب بودند از مردم میخواهند که همگی از خانه بیرون آیند و مسی این واقع را که زور را بنیدگیرند، مجاهدین

اخباری از

بقیه از صفحه ۶

بودند که روی آن اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش نوشته شده بود.

\*\*\* سپاه پاسداران در آبادان بسیج را خورده و عملاً از صحنه بیرون میکنند و فقط به قول خود بسیجی ها، آنها را به نام تسوری گذاشته. این حرکت از قبیل از جریان حمله به تپه های مــــدن آغا زگردید. و بسیج مستضعفین به بسیج سپاه بدل شد. البته این جریان بدنبال یک حرکت سراسری است (هما نگونه که میدانید) \*\*\* خیردیکری از اصفهان از یادگان فرج آباد سابق حاکی از ورود چندین مستشار نظامی کمره ای (شمالی) برای آموزش خمپاره اندازهای کمره ای، به دنبال است (خبر اوائل اردیبهشت).

یورش حزب حاکم

مورداً ثابت گلوله واقع شده بود و بر این اساس در این روز از طرف مقامات بندر عباس "عزای عمومی" اعلام و از کلیه ادارات دولتی خواسته شد که در تشییع جنازه شرکت کنند و طبق معمول عده ای معدود شرکت کردند. در طی مدتی که مراسم در جریان بود، درگیری هایی روی می دهد که خود بسیار شدید بود. به مرتجعین داده و برنا های را که از یکر و قبیل (۶۰/۳/۶) در شهر اه انداخته بودند مبنی بر خاندگیری بشیوه ساواک اینبار در سطح وسیع - تری از سرگیری کردند که منجر به دستگیری عده زیادی گردید. خانه گردی عمدتاً در اطراف میدان و خیابان برق صورت گرفت و در منطقه ای که کلاً به بلوکی موسوم است.

این مسائل خیر از توطئه و برنامۀ جدیدی در سطح بندر عباس می دهد بخصوص که اخیراً سروکله فدا ثیان اسلام نیز در شهر پیدا شده و عده زیادی از آنها سب درت به فروش تشریفشان "منشور آزادی" میکنند و محل های انتخاباتی شان درست همان نقاطی است که "حزب توده" و "فدائیان اکثریت" دکه و بساط داشتند و با توجه به برنامۀ بشیوه، سازمان و حزب نامبرده در قبال حضرات "فدائیان اسلام" طبق معمول همیشگی و ذاتی شان سر تسلیم فرود آورده و محل خود را ترک کرده اند. بهر صورت این روزها خانه گردی رواج فراوانی دارد و شیدا شهر کنترل میشود ((پاران قاسم - هواداران اتحادیه در بندر عباس))

فعالیت شاهپرستان خان

در مقابل این مسئله، عوامل حزب مردم را بسیار توهین و تاسزا میگیرند. یکی از اقوام رفیق که از این وقاحت شدت عصبانی شده بود به انجمنی ها حمله میکند و یکی از آنان را فروپ میا - زد و عمل او مورد حمایت ما بر اهالی تراس میگیرد. بدنبال این درگیری سپاه، شهرستانی، کمیت و خلاصه هر چه نیروی انتظامی در شهر بود برای دفاع از این جوجه های دستگاہ استبداد جدید محل هجوم آوردند. آن رفیق و خویشاوندش را دستگیر کرده و با مظلوم تحت تعقیب تراس میدهند.

این کارگران که آنها نیز در حدود صد نفر بوده اند خواسته بسیار "شدنی" ای را (حتی برای سرمایه داران) عنوان میکنند و آن اینکه کارگران میگویند حاضرند بجای روزی ۷ ساعت روزی ۱۴ ساعت کار کنند در عوض ۵۰ نفر کار کنند و ۵۰ نفر به مرخصی برای دیدن خانواده های جنگزده شان بروند، یعنی بجای ۱۰۰ نفر، ۵۰ نفر کار ۱۰۰ نفر را بکنند و هر ۱۵ روز به مرخصی بروند. این عمل هیچ تا ثیری در بار زده کار بندر ندارد و خوبیش اینست که کارگران میتوانند به سرو سامان دادن به خانواده هایشان هم برسند. با اینحال آقایان مکتبی جوانان این بوده که تا معای به نخست وزیر بنویسید، کارگران نیز اینکار را میکنند و دوسه نفری را هم با نامه به سراغ نخست وزیر مکتبی میفرستند. البته از آن دوسه نفر خبری نیست ولی شایعه ای در بین کارگران مبنی بر جواب منفی نخست وزیر موجود است. جریانی در همین مابعد در بندر عباس بوده که کارگران خواسته های شان رسیده اند.

\*\*\* در شب سوم خرداد در برین راه ما شهر آمدید به لوله های نفت را با بمب منفجر کرده بودند.

\*\*\* در روز اول خرداد یک کشتی ژاپنی حامل یک هزار تن شمش آهن برای کارخانه نوردا هوا ز که تحت پوشش حمایت ضد هوایی - های مانبیده بوسیله نیروهای عراقی زده میشود (شمیدا نیم با میک زده اندیا از راه زمین). کشتی تا حدی خسارت میبیند اما غرق نمیشود و همانجا پهلوی میگیرد. مقصد کشتی بندر عباس بوده.

\*\*\* در اصفهان در یادگان فرج آباد سابق (مرکز توپخانه) در روز ۴ خرداد یک سرباز با علت نامعلومی تیرباران میکنند. همچنین خیرا ز وجود یک بانک کودتاچی بنام "نقاب" در این بانک دکان است که بدنبال عضوگیری است. از کم و کیف جریسان دقیقاً خبر نداریم.

\*\*\* کارخانه نوردا هوا ز بوسیله "مکتبیون" در حال بسته شدن کامل برای ابد است. علتش قبول نکردن کارگران به زیر بوم مکتبیون رفتن است.

\*\*\* کارخانه کوکا کولا در هفته پیش (۵ خرداد) خبر دریا فست شده (بوسیله "بنیاد مستضعفان" ضبط میشود (در اصفهان)). روسای کارخانه نامه شکایت آمیزی به بنی صدر در این مورد مینویسند که گویا در جواب بنی صدر از جری ها جواب میخواهد و آنها جواب درست و حسابی به او نمیدهند.

\*\*\* در سپاه پاسداران آبادان بخشی بر مبنای تصفیه عده ای جریان دارد. گویا جریانی بنی صدری و امتی پاز "حدمرز" خود ترا ترک کرده اند. (او اخبار دیده است)

\*\*\* در ارتش (لا تامل در آبادان) عده ای از اداره سیاسی - ایدئولوژیک گویا جریانی حزبی را متشکل میکنند و فرا کمپون حزبی در ارتش بوجود می آورند. در روز اول ماه عده ای از اینها با شما رها و علاقه های شدید حزبی در بین کارگران اعلامیه بخش میکنند. در حالی که روی با زویشان یک نوار چسباننده





دم خورس...

بقیة از صفحه ۱۰۰

مقدم جیبه "و ما زمان آزادی - بخش فلسطین، و با لآخره

۲ - تا بود ساختن انقلاب فلسطین و پالیسیا ل کردن آریا نهی انقلابی خلق قهرمان فلسطین و خلقیای انقلابی سرا سرگیتی، و بدین ترتیب برقراری "ملیح با یباروعا دلانه" و حل امیر - یالیستی "بحران" خاورمیانه عربی.

نکات فوق چهارچوب عمومی و جوهر واقعی سیاست رژیمهای ارتجاعی منطقه خاورمیانه را جمله اردن، مصر، عربستان... و غیره در قبایل انقلاب فلسطین یعنی کانون انقلاب خلق های تحت ستم منطقه را تشکیل میدهد. و این است اهمیت مواضع حسین شاه اردن که با مواضع دولت "سوسینا - لیستی" اتحاد شوروی بهم نزدیک است و آنچنان موجب خرسندی جناب برژنف گردیده است که ایشان در پوست خود نمی کنند.

بدین ترتیب می بینیم امپریالیستها، سوسیال امپریالیستهای شوروی و مترجعینی چون شاه حسین اردنی هراندازه بخواهند نقاصد پدید خود را در قبایل انقلابات لایوتانی کنند، با لآخره آنجا شیکه پای عمل پیش میاید ما حیت شان بر ملا میگردد و قبول مسرور دم خورس هم از زیر برد بیرون خواهد زد.

این حقیقتی است که خلقهای جهان بویژه خلقیای انقلابی ایران و فلسطین، هر

کارگران ایرانا تنفر خود را از ابر قدرت ها و بعضی ها و حزبی ها ابراز می دارند

روز سه شنبه، به تاریخ ۶/۳/۶۰ یا ردیگر کارگران ایرانا انزاجا خود را از حزب چماق بدستان و مستبدین تازه بدوران رسیده و همچنین از امپریالیستهای شرق و غرب و بخصوص موضع گیری بر سر جنگ میهنی علیه صدام حسین خاشن اعلام نمودند.

ساعت ۷/۵ شب پس از قطع برق، ظلمات چگون تیرگی استبداد بر کارخانه برده گسترده کارگران در یکی از قسمتهای کارخانه شروع به دادن شعارهای علیه ابر قدرت ها و عوامل داخلی آنها بعنوان مستبدین حزبی نمودند و بعد شروع به حرکت با شعارهای کوبنده چون "مرگ بر صدام"، "ما دشمنیم با شیطان، چه برژنف چه ریگان"، "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر چماق قدر"، "مرگ بر

سازگار" و غیره کردند. با شروع این حرکت کارگران قسمتهای دیگر به پشتیبانی از این حرکت متروحیا نه با ملحق شدن خود به آن برخاسته و با هم بطرف محوطه کارخانه با شعارهای مرگ بر چماق قدر و... و در ضمن با خواندن سرودهای بیباک و حمتکشان، زنده بود خلق کرد، به حرکت خود گرمی خاصی بخشیدند. در این حرکت حزبیهای خاشن و بدستان شوکر متفشان چون اکثریتی ها و توده ای - های مزدور زمین بدنیسال شکار میگشتند و یک لحظه غافل نبودند و ملی جواب خود را با یکپارچگی مبارزه بر علیه امپریالیستها و صدام و حزب مستبد جمهوری گرفته و تیری که را کرده بودند با مقاومت و آگاهی توده های کارگریه سنگ خورد.

چند روز جنازه با دکرده اش را در بیابان پیدا میکنند. بنا بد گفته، دولت، عبدالعزیز مطوم الحال به پاکستان سفر کرده و با خانهای فسراری مذاکره کرده که آنها را برگر - داند به ایران. آنها هم گویا در جواب گفته اند اگر ما برگردیم باید از ما هم نما یمنده به مجلس برود. جز اختلاف بر سر مسئله شیعه و سنی خلی - ی بالاست حتی تا آنجا رسیده که علنا تبلیغ میکنند شیعه ها تا سیونال شیعه هستند و باید ازین برونند.

سرمقاله...

بقیة از صفحه ۱۴

سردهند و خواهان محاکمه و مجازات اشد توطئه گران شوند! این مجلس و دولت و دستگاه قضائی و احزاب و دستجات چماق قدر و فاشیست باید برچیده شوند!

ما زهم امروز از مردم شریف تهران و سراسر کشور دعوت میکنیم که روزنامه ها و مجلات با ملاح قانونی کنونی را، که دیگر همگیشان وابسته به حزب حاکم و دولت و کودتا - چیان هستند، تحریم کنند و بلکه آنها را مجله کرده قوی صورت خفه کنندگان آزادی قلم و مطبوعات بکوبند! مردم به زباله احتیاجی ندارند.

مرگ بردشمنان آزادی و استقلال و نظام جمهوریت در ایران! مرگ بر حزب جمهوری اسلامی و سران توطئه گر کبودتسا! مرگ بر استبداد زیر پرده! مرگ بر نوکران نو قدم و تازه بدوران رسیده! آمریکا و ابر قدرت ها! بیروزی با ملت ایران نخواهد بود!

۱۲ خرداد ۶۰

خبری از سیستان و بلوچستان

کنترل این منطقه روزها بوسیله هلیکوپتر انجام میشود. آشور که مشخص است گشت زمینی و شبانه در آن منطقه نیست و کنترل توسط هلیکوپتر از هوا انجام میگردد. همچنین از اهدان به طرف مرز جابه جایی اصلا امنیتی نداد و هر کس می - خواهد از این منطقه برود، از طرف نیروهای انتظامی با و تذکر میدهد که راه در دست ما نیست و هر چه پیش آید مسئول خودتان هستید. به دلیل نبود کنترل در این منطقه کار جایی کشیده که خانیای پاکستانی شعبه های دلالی و غیره برای خودشان بخصوص در اطراف جابه جایی دارند نموده اند. هفته پیش فرمانده نیروی هوایی جابه جایی رسیده میشود که بدان

یک شکلی در عمل دریا فته - اند که تا آنجا شیکه ممالح ایشان و انقلابشان در میان است همه امپریالیستها و بویژه دوا ابر قدرت آمریکا و شوروی و رژیمهای مترجع با یکدیگر هم قول و هم پیما - نند و روی یک خط حرکت میکنند؛ بریدن سر انقلاب بهر ترتیب ممکن.

روی دیگر سیاست امپریالیستها از جمله سوسیال امپریالیسم شوروی است که همپای پیششرد فعلا لاند سیاست بریدن سر انقلاب بهر ترتیب ممکن، چون گرگی در جلد میش فرو میروند و به منظور تحقیق توده های مردم یک سیاست مودیانه ای را دنبال میکنند. با زتاب این وجه زیست امپریالیستها از جمله امپریالیسم شوروی غالباً چیزی نیست جز یک رشته شعارهای پرطمطراق ولیکن پوچ و تو خالی.

# جاوید باد خاطره رفیق شهید

## ☆ غلامعلی رودانی ☆

تما موجود بر علیه دشمنان آمریکا ای انقلابی مبارزه می نمود. همدستی و همدستی‌ها نی حزبهای آمریکا شایروس و نوکران و آنچه‌ها ایشان را با این دشمنان در لگدمال کردن دستاوردهای انقلابیان موضوع میدیدند. در لگدما شوشی

میگفت: کی گلته از توده ایها خاشن تر وجودندارد، پس اکثریتی ها چه هستند؟! رفیق غلام انسانی والا و مبارزی خستگی ناپذیر بود و چنانچه جنگ تحمیلی نوکران آمریکا و از زمین ما نمی رهود، چه بسا از ارزنده ترین فعالین جنبش کمونیستی میگشت.

در غروب روز پانجمین هفتم خرداد ماه، هنگامیکه رفیق به همراه دوستانش از دستگراش با جیب حامل تفنگ ۱۰۶ میلیمتری در حال انجام وظیفه بودند، بدلیل نقص فنی، تومبیلشان از جاده خارج شده، دوشن دیگر که همراهش بودند زخمی گردیده و غلام شهید میشود.

با دور آهش جاودان باد. خاطره زنده یاد رودانی استقامت و پایداری در مبارزه با امانت داریش در حفظ اسرار همواره مرشح رفقاییش خواهد بود. با چنین شهیددی پیمان دیرینه تازه میکنیم که تا نجات کامل انقلاب و مپین از جنگال دشمنان رنگارنگی یکدم از پای نخواهیم نشست، چنین باد.



"بزرگتر" برای دیگر رفقاییش ساخت. رفقاییش بی ملاحظه دیدی اقدام به کوچکترین کاری نمیکردند. شخصیت انسانی و والای غلام جای کمبودهای جبهه را برای همه پر میکرد. غلام کلید گشایش موانع برای رفقاییش بود.

غلام یک کارگر زاده و خود یک کارگر برق بود، از تنگ نظری های روشنفکران با نسی بدور بود و واقعیت ها را بخوبی میخوانست. لیس و درک کننده این چندین ماه مبارزه در جبهه ها دید روشنی از توطئه گران در قدرت و نقش شوم آنها در به اجرا بردن انقلاب به روی داده بود.

رفیق رودانی حقیقتا از اشرار ربیعی و اشرار حزبی به منتهی درجه نیز آ بود. او با

تحول ایجاد نمسود. اراده ای چون بولاد لازم بود که از سر چنین دامی رهایش سازد، اراده ای که غلام داشت.

با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثت به مپین عزیزمان، همه دوستانشان پیدا دارند که غلام گفت: "حتی اگر مرا قبیلا از سرایین کوچ بدهند، آخسلسل بیایند از این کوچه بیرون نخواهیم رفت." در جبهه وجود غلام بمنای آمایش و راحتسی برای همه رفقاییش مسود همواره نهایت سعی اش بر آن بود که سخت ترین کارها را خودش انجام دهد و بساری را از دوش رفقاییش برگیرد. منطق قوی، دید اجتماعی روشن و صراحت و صداقت غلام در برخوردش به مسائل و حل سریع و صحیح آنها در مدت کمی از او یک

غروب روز پانجمین هفتم خرداد ماه، در جبهه اروند آبادان، یکی از غیورترین و پاک ترین آزادگان مدافع میهن و انقلاب، بخون شهید.

شادروان غلامعلی رودانی، فرزند نرج و عماره، زحمت و دردی بود، در کودکی زدن با مشکلات زندگی بطور دائم از او انسانی سرخسستور عاصی با آورد، ناکامی های روزمره و دانشی که ویژگی زندگی و حمتکشان میهن مس، بخصوص در دوران تسلط شوم رژیم سلطنتی بود، وی را بدم اعتبار دکه از سوی امپریالیسم و دربارش در سران سرکشور مس، گسترده بودند، کفاند، انقلاب ۵۷ که جا معمان را در گریون کرد، در قلب و روح غلام نیز

### دم خرس قطبی و قسم روس پرستان

۱ - انقلابی در زندان رژیم فاشیستی اردن به بند کشیده شده و در زیر شکنجه قرار دارند؛  
 ۲ - مجبوراً خستن خلق قهرمان فلسطین بقبول توطئه مشترک آمریکسا - شوروی تحت عنوان "دولت کوچک فلسطینی" در ساحل غربی رودخانه اردن، بنا بر این توطئه امپریالیستی، سازمان آزادبخش فلسطین تشکیل یک دولت خواهد داد که تحت قیمومیت رژیم سلطنتی - فاشیستی اردن قرار خواهد داشت؛  
 ۳ - سرسیت شانامدن رژیم صهیونیستی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین به کشورهای با صلاح "خط

شده امپریالیسم آمریکا و جاده ۲۰ هزار فلسطینی محروم در بیتا مبره ۱۹۷۰، پیرا مسون مسائل برقراری صلح پیدا رو عا دلانه "درخواست" میانه چیست که با مواضع دولت "سویالیستی" شوروی نزدیک است و تا این حد موجب خوسندی آقای برژنف گردیده است؟ در زیر برای تازه شدن ذهن خوانندگان اهم مواضع شاه حسین را در مورد مسائل خاورمیانه عربی نکتها و ریازگو میکنیم:

در تاریخ دهم خرداد ماه، "نووستی" خبرگزاری مطبوعا - تی شوروی، خبر داد که بدنیال سفر ملک حسین شاه اردن به مسکو، در ضیافت نا هاری که به افتخار وی در کاخ کرملین برپا شده بود، لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی طی سخنانی اظهار داشت:

"ما با ابراز خرسندی خاطر نشان میکنیم که مواضع اتحاد شوروی و اردن در مورد بسیاری از مسائل بین المللی و قبل از همه در مورد مسائل برقراری صلح پایدار، رژیم نزدیک است" راستی این مواضع حسین بادشا در بهره شناسنده

۱ - سرکوب و کمک به قطع و قطع جنبش مبارزست فلسطین و حرکت ترقیخواه لبنان، در دوکشور اردن و لبنان، هم اکنون هزاران فاشی فلسطینی و عرب

(بشید در صفحه ۹)